

نقش منابع نفتی

الهه کولائی*

در تحولات سیاسی آذربایجان

سقوط «جبهه خلق» و حاکمیت یافتن حیدر علی اف، معاون نخست وزیر اتحاد جماهیر شوروی و دبیر اول حزب کمونیست آذربایجان، برای بسیاری از تحلیل گران مسائل قفقاز نویدی برای پایان یافتن جنگ در قره باغ و مناقشه بین ارامنه و آذری ها تلقی می شد.^۱ ولی علی اف در دوران جدید حاکمیت خود بر آذربایجان از رویه استقلال طلبانه نسبت به مسکو پیروی کرده است. به همین دلیل نیز با مشکلات زیادی برای ایجاد ثبات سیاسی در کشور مواجه بوده است. از جمله این مشکلات تداوم جنگ در قره باغ و تصرف حدود یک چهارم از قلمرو آذربایجان به وسیله ارامنه است. رهبری آذربایجان نیز همانند گرجستان، در صورت لزوم، برای حفظ امنیت و ثبات سیاسی کشور و بهبود در شرایط اقتصادی، احیای برخی پیوندهای دیرین با روسیه را پذیرا خواهد شد، هرچند بعد زمانی این امر کاملاً تحت الشعاع فشارهای همه جانبه روسیه و آسیب پذیری های مختلف آذربایجان خواهد بود. این حساسیت در بخش اقتصادی بسیار اساسی است.^۲ پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، منابع نفتی آذربایجان در فلات قاره دریای مازندران مورد توجه بسیاری از کمپانی های چند ملیتی غرب قرار گرفت.

* الهه کولائی عضو هیئت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران است.

منابع نفتی آذربایجان

آذربایجان به منابع عظیم نفتی برای بازسازی اقتصادی خود چشم دوخته است. براساس برآوردهای صندوق بین المللی پول، اقتصاد آذربایجان در مقایسه با دیگر جمهوری ها، بویژه در منطقه قفقاز (ارمنستان و گرجستان)، در موقعیت بهتری قرار دارد. ولی آذربایجان برای پرداخت بهای نفت خام خود به روسیه و نیز پرداخت بهای گاز مصرفی خود به ترکمنستان با مشکلات جدی روبه رو است. این امر سبب شده است که دولت ترکمنستان برای مدتی صدور گاز طبیعی خود را به آذربایجان متوقف سازد. در حال حاضر، بدهی آذربایجان به ترکمنستان از این بابت بالغ بر ۹ میلیون دلار است.

ذخایر نفتی آذربایجان که از ۱۸۷۱ مورد بهره برداری قرار گرفته اند، جزو قدیمی ترین منابع نفتی جهان به شمار می آیند. این ذخایر در آغاز قرن بیستم نیز از جمله بزرگترین ذخایر نفت جهان قلمداد می شدند. در دوران حکومت تزاری و در اوایل قرن بیستم، آذربایجان در تهیه انرژی مورد نیاز روسیه و سپس اتحاد جماهیر شوروی جایگاه ویژه ای داشت. اما پس از جنگ جهانی دوم و اکتشاف حوزه های جدید، بتدریج اهمیت آن کاهش یافت. در آغاز دهه ۹۰، سهم این جمهوری در تولید نفت اتحاد جماهیر شوروی به دو درصد کاهش یافت.^۳ بتدریج، با کاهش استخراج نفت از منابع موجود در خشکی، حوزه های نفتی دریای خزر مورد توجه قرار گرفته است. حوزه نفتی گونشلی (Guneshli) نیز در دهه ۸۰ در عمق آبهای دریای خزر کشف شد. در طول دهه ۸۰، اکتشافات نفتی در آبهای عمیق دریای خزر ادامه یافت و سه حوزه نفتی دیگر نیز کشف شد.^۴

ولی بهره برداری از حوزه های جدید در دریای خزر نیازمند استفاده از تکنولوژی پیشرفته تری در مقایسه با تکنولوژی روسیه شوروی بود. شایان ذکر است که در پایان دهه ۷۰ شرکت های غربی موفق به بهره برداری از حوزه های مشابه در دریای شمال و خلیج مکزیک شده بودند. به همین دلیل نیز، حوزه های یادشده تا پایان دهه ۸۰ و در واقع تا استقلال آذربایجان مورد بهره برداری قرار نگرفتند. پس از استقلال آذربایجان، شرکتهای نفتی چند ملیتی و غربی برای استخراج نفت از این حوزه ها به رقابت پرداختند.

شرایط دشوار اقتصادی - سیاسی در آذربایجان سبب شد تا صدور نفت از این جمهوری بشدت کاهش پیدا کند، در حالی که اقتصاد آن اساساً بر صدور نفت متکی بود.^۵ براساس سیاستهای طراحی شده در دوران اتحاد جماهیر شوروی، آذربایجان اساساً یک کشور تولیدکننده نفت است که واردکننده گاز طبیعی نیز می باشد. سیاستهای توسعه اقتصادی

در دوران اتحاد شوروی گسترش و تعمیق وابستگی اقتصادی جمهوری‌ها به یکدیگر و به روسیه را دنبال می‌کردند و اساساً از توسعه خود اتکایی در جمهوری‌های دوری می‌جستند. این سیاست به نوبه خود موجب پیدایش مازاد تجاری در ۱۹۹۱ در آذربایجان شد؛ زیرا قیمت نفت صادراتی نسبت به بهای گاز وارداتی افزایش یافت، در حالی که حجم مبادله شده این اقلام در حد ثابتی بود. امروزه، بهره‌برداری از چاههای قدیمی نفت در آذربایجان رو به کاهش نهاده است. کاهش ارقام مربوط به تولیدات نفتی آذربایجان از ۱۷/۲ میلیون تن در ۱۹۷۵ به ۱۳/۱ میلیون تن در ۱۹۸۵ و ۱۱/۱ میلیون در ۱۹۹۲ بیانگر این روند نزولی است.^۶

اساساً چهار حوضه نفتی مهم در دریای خزر نزدیک به آذربایجان شناسایی شده است: گونشلی (Guneshli)، چراغ (Chirag)، آذری (Azeri)، کاپاز (Kapaz). طبق برآوردهای موجود، چهار حوضه یادشده باید بیش از ۳ میلیارد بشکه نفت را در خود جای داده‌اند و تاکنون تنها حوضه نفتی گونشلی به مرحله بهره‌برداری رسیده است. این حوضه در تاریخ نفت آذربایجان، بویژه از اواسط دهه ۸۰ نقش مهمی ایفا کرده است.^۷ با توجه به مشکلات فنی و مالی در آذربایجان و نیز روسیه، پس از روی کارآمدن حیدر علی‌اف، مجال مناسبی برای شرکتهای غربی ایجاد شد تا به همکاری در این زمینه پردازند. استقلال طلبی علی‌اف و تلاش برای دگرگون ساختن الگوهای رفتاری پیشین در روابط با روسیه این فرصتها را مناسب تر ساخته است.^۸

ذخایر نفتی آذربایجان در مجموع حدود ۴ میلیارد بشکه برآورد شده که حدود یک میلیارد بشکه آن در خشکی و بیش از ۳ میلیارد بشکه آن در فلات قاره و آبهای ساحلی دریای خزر قرار گرفته است. البته، شاید بتوان با در نظر گرفتن ذخایری که به تازگی کشف شده این میزان را بالاتر تخمین زد. با توجه به مشکلات تکنولوژیک، استخراج از این منابع برای آذربایجان بسیار دشوار و پرهزینه و در واقع غیر ممکن خواهد بود. هم‌اکنون، ظرفیت حوزه‌های نفتی دریای خزر به شرح زیر است:

۱. نفتیای کامنی (چراغ) با ظرفیتی حدود ۱۶۰ هزار بشکه در روز؛ ذخایر نفتی این حوزه بیش از ۱۵۰ میلیون بشکه برآورد شده است.

۲. گونشلی که در گذشته ۲۸ اکتبر خوانده می‌شد، با ظرفیتی برابر ۱۲۰ هزار بشکه در روز که مدتی است به دلیل مشکلات فنی تولید آن کاهش یافته، ولی هم‌اکنون شرکتهای پتراول و رامکو قراردادهایی را برای افزایش تولید در این منطقه منعقد کرده‌اند.

۳. ذخائر نفتی میدان نفتی آذری که در بخش نسبتاً عمیق دریای خزر قرار دارد، تا ۱/۵ میلیارد بشکه برآورد شده است. دولت آذربایجان برای بهره برداری از این میدان شرکتهای نفتی غربی را به رقابت طلبیده است. هم اکنون، کنسرسیومی از شرکتهای خارجی تشکیل شده که علاوه بر میدان نفتی آذری سه میدان نفتی دیگر را نیز برای عملیات مد نظر قراردادده که برای هریک از آنها ۱۰۰ هزار بشکه در روز تولید نفت برآورد شده است. این میدانها عبارت اند از:

الف) میدان کاپاز که هم اکنون شرکت آمریکایی آپاچی برای استحصال نفت آن در آبهای کم عمق مشغول بررسی است. میزان ذخایر این میدان هنوز مشخص نشده است.
ب) میدان نفتی گونشلی که با کمک شرکتهای رامکو و پترابیل در شرف توسعه است.
پ) میدان نفتی کاورچیکین که نام آن به دامستگ تغییر یافته است. این میدان نفتی نیز مورد توجه شرکتهای نفتی غربی قرار گرفته است. در حال حاضر، بریتیش پترولیوم قراردادی برای بهره برداری از این میدان امضا کرده است. ذخایر این میدان نفتی نیز حدود یک میلیارد بشکه برآورد شده است.

انگیزه های نفتی در رقابتهای محلی

تملك بر منابع عظیم نفتی در سواحل دریای خزر به وسیله آذربایجان، پس از تجزیه اتحاد جماهیر شوروی به یک عامل اصلی در تحولات سیاسی در این جمهوری تبدیل شده است. تشدید درگیری در قره باغ و تبدیل این تقابل قومی به یک بحران جدی منطقه ای ارتباط نزدیک با مسائل مربوط به نفت در آذربایجان پیدا کرده است. آذربایجان، تحت رهبری ایاز مطلب اف، از پیوستن به جامعه کشورهای مستقل مشترک المنافع (CIS) خودداری ورزیده و تصویب آن را به مجلس این جمهوری واگذار کرده بود که سرانجام نیز تحقق نیافت. حکومت جبهه خلق به رهبری الهچی بیگ که برای نجات قره باغ و بازگرداندن آن به آذربایجان تبلیغات زیادی کرده بود نیز نتوانست به وعده های خود جامه عمل بپوشاند.^۹ سرانجام نیز بر اثر شکستهای مکرر در جبهه های قره باغ و از دست دادن حدود یک چهارم از خاک آذربایجان ناچار به ترك عرصه قدرت شد. هر چند روی کار آمدن حیدرعلی اف که به طرفداری و وابستگی به مسکو اشتغال داشت، برای برخی پایان درگیری میان ارمنه و آذری ها تلقی می شد، ولی وجود عوامل دیگر مانند بهره برداری از منابع عظیم نفت آذربایجان سبب عدم تحقق پیش بینی های قبلی گردید.

آمریکا و کشورهای اروپایی کوشیدند از طریق شورای امنیت و کنفرانس امنیت و همکاری اروپا (CSCE) بر روند تحولات سیاسی در آذربایجان تأثیر گذارند. ولی روسیه هرگز حاضر به قبول حضور شرکای جدید در حوزه امنیتی خود نبوده است.^{۱۰} البته، تحولات سیاسی در آذربایجان نقش برجسته روسیه را آشکار ساخت. مشکلات سیاسی - اقتصادی سبب شد تا دولت آذربایجان در روند تحقق صلح در قره باغ انعطاف زیادی نشان دهد. رفع مشکلات عظیم اقتصادی این جمهوری که مقوله ای متفاوت با دیگر جمهوری های بازمانده از اتحاد شوروی نیست، بدون بهره برداری از ثروتهای عظیم نفتی میسر نخواهد بود.

در حال حاضر، بزرگترین مسئله ای که حکومت باکو با آن مواجه است، مسئله انتقال نفت از این جمهوری می باشد.^{۱۱} وسیه برای انتقال آن به بندر نوروسیسک در کنار دریای سیاه می کوشید^{۱۲} و نتوانسته رضایت علی اف را بدست آورد. ولی با توجه به مخالفت های جدی ترکیه با عبور نفتکشها از تنگه های بسفر و داردانل و ایجاد محدودیت در رفت و آمد آنها مذاکرات مربوطه دچار اختلال شد. روسیه اقدامات ترکیه را در این راستا مخالفت با پیمان مونترو در ۱۹۳۶ برای عبور آزاد کشتی ها از تنگه های یاد شده می داند. دولت ترکیه نیز به تدوین اساسنامه جدیدی برای عبور کشتی ها از تنگه ها متوسل شده که مسکو بشدت با آن مخالفت کرده و آن را مغایر با عهد نامه های بین المللی خوانده است. بدین ترتیب، روسیه و ترکیه با توجه به دیدگاههای معارض خود در آذربایجان، درگیر مناقشات دیپلماتیک شده اند. هم اکنون، مسئله انتقال نفت از جمهوری آذربایجان به بازارهای جهانی یکی از مسائل عمده این جمهوری محسوب می شود. در این مورد، ترکیه بر احداث خط لوله برای انتقال نفت از خاک خود به دریای مدیترانه تأکید دارد.

به هر حال، دولت علی اف و در واقع کنسرسیوم شرکتهای نفتی غربی با معضل اساسی انتقال نفت آذربایجان بر دریای آزاد روبه رو هستند.* باکو مایل به این اقدام از طریق سستی، یعنی از خاک روسیه و بندر نوروسیسک نیست. بنابر این، خطوط لوله نفت باید از خاک گرجستان و به هر حال ارمنستان عبور کند که در هر دو مورد، به دلیل شرایط جنگی، عملاً غیر ممکن است. این در حالی است که برای احداث خط لوله نیز در قرارداد کنسرسیوم مدت معینی در نظر گرفته شده است.^{۱۳} بدین ترتیب، اجرای قرارداد یاد شده نیازمند تحقق ثبات و امنیت در منطقه قفقاز است، این نیز بدون تردید به ایفای نقش اساسی روسیه بستگی

* قرارداد کنسرسیوم در تاریخ ۲۰ سپتامبر ۱۹۹۴ - (۲۹ شهریور ۱۳۷۳) منعقد گردید و آذربایجان بیش از ۸۰ درصد درآمد حاصله از کار کنسرسیوم را دریافت خواهد کرد، که حدود ۳۴ میلیارد دلار خواهد بود.

خواهد داشت.

در چنین شرایطی، طرح پال گوبل، مشاور ویژه وزارت امور خارجه آمریکا بار دیگر مطرح شده است: تحویل قره باغ به ارمنستان با الحاق گذرگاه لاجین و شوشا از آذربایجان به ارمنستان، و در مقابل اتصال نخجوان به آذربایجان.^{۱۴} این امر می تواند تحولات ژئواستراتژیک گسترده ای را در این منطقه در پی داشته باشد که بحث در مورد آن را به نوشتار دیگری وا می گذاریم.

به هر حال، تداوم درگیری در قره باغ و فقدان ثبات سیاسی، بهره برداری از نفت آذربایجان را با دشواری هایی جدی مواجه ساخته است. بندر پوتی در گرجستان و بندر نوروسیسک در روسیه که هر دو در کنار دریای سیاه قرار گرفته اند، با مانع تراشی های ترکیه برای انتقال نفت مواجه شده اند.^{۱۵} ناآرامی سیاسی در قفقاز مشکل احداث خط لوله نفتی از این نواحی را بزرگتر می سازد. اگر نفت آذربایجان و کشورهای آسیای مرکزی به بندرهای ساحلی دریای سیاه انتقال یابد، عبور نفتکشها از تنگه های بسفرو داردانل که عملاً از سوی ترکیه منع شده است با مشکل مواجه خواهد شد. شرکت های نفتی غربی برای انتقال لوله نفت از خاک ایران نیز بشدت مخالفت می ورزند. آنها حاضر نیستند خود را در موضعی محدودکننده قرار دهند. دولت آذربایجان نیز مایل نیست نفت خود را از طریق خاک روسیه به جهان آزاد و بازارهای جهانی برساند. در واقع، سلطه دیرینه روسیه بر آذربایجان سبب حساسیت جدی این کشور شده است.^{۱۶} به هر ترتیب، شرکتهای نفتی ناگزیر از انتخاب یکی از راه های موجود خواهند بود. باید توجه داشت که به رغم عدم تمایل باکو در نزدیکی مجدد به روسیه، با در نظر گرفتن اهرم های فشاری که مسکو در برابر باکو در اختیار دارد – و وابستگی های عمیق اقتصادی و مسائل ملی (قره باغ) از آن جمله است – دولت آذربایجان ناچار از نشان دادن انعطاف در برابر خواسته های روسیه خواهد بود. دخالت نظامی روسیه در جمهوری خودمختار چچن نیز به عنوان یکی از پیامدهای قرارداد نفتی آذربایجان، بدلیل هموار شدن راه انتقال نفت از روسیه که باید از خاک چچن عبور نماید مطرح می گردد، که خود به بررسی جداگانه ای نیازمند است.^{۱۷}

آذربایجان از معدود جمهوری های بازمانده از فروپاشی اتحاد شوروی است که سربازان روسی در آن مستقر نیستند.^{۱۸} مذاکرات مقامات روسیه با رهبران باکو برای استقرار سربازان روس با دشواری های جدی مواجه بوده است. به رغم امضای طرح صلح بیشکک توسط رئیس پارلمان جمهوری آذربایجان برای پایان دادن به جنگ ارامنه و آذری ها این اقدام

نیز نتوانست به مبنایی برای حضور نیروهای روسی تحت عنوان میانجی و پاسدار صلح در این کشور مبدل شود. این طرح که در آن از تخلیه شوشا و لاجین در آن صحبتی نشده بود، از سوی نیروهای ملی آذربایجان مردود اعلام گردید. با در نظر گرفتن گسترش مخالفت‌های داخلی در برابر این طرح، عملاً اجرای آن به تعویق افتاد و روسیه نیز به طور متقابل مخالفت جدی خود را با فعالیت شرکت‌های نفتی در آب‌های ساحلی و فلات قاره آذربایجان اعلام کرد.^{۱۹}

روسیه با طرح مسئله رژیم حقوقی دریای خزر می‌کوشد رژیم حقوقی دریاهای بسته را بر آن اعمال کند.^{۲۰} در واقع، تعیین ۱۲ مایل آب‌های ساحلی برای کشورهای حوزه دریای خزر که مورد نظر روسیه است، اقدامی برای جلوگیری از فعالیت شرکت‌های غربی در دریای خزر می‌باشد که در مورد آذربایجان و قزاقستان در حد گسترده مطرح شده است. اعمال رژیم حقوقی دریای بسته بر دریای خزر سبب عدم استفاده انحصاری آذربایجان از ذخایر نفتی در آب‌های ساحلی و فلات قاره این کشور خواهد شد که با توجه به شرایط دشوار اقتصادی این کشور ضربه‌ای سنگین برای آن خواهد بود.

فعالیت شرکت‌های نفتی چند ملیتی

شرکت‌های نفتی غربی با توجه به ذخایر عظیم نفتی آذربایجان این کشور را کویتی دیگر در منطقه قلمداد کرده‌اند. آنها پس از استقلال آذربایجان به تلاش وسیعی برای بهره‌برداری از نفت این کشور دست زدند. رهبری باکو نیز با توجه به اینکه بدون حمایت غرب قادر به مقاومت در برابر روسیه نبود (بدون در نظر داشتن نتایج)، با اتکا به سرمایه‌های غربی بازسازی اقتصادی خود را هدف قرار داد. شرکت نفت آذربایجان سوکار (Sokar)، شرکت نفت ترکیه و شرکت‌های آمریکایی رامکو، اکسون، پنزاویل، مک‌درمات پونوکال، آموکو و شرکت نفت بریتانیا مذاکرات وسیعی را در مورد بهره‌برداری از نفت این کشور انجام دادند. شرکت نروژی استات‌اویل را نیز باید در کنار این گروه به حساب آورد. شرکت نفت ترکیه نیز ۷۵/۱ درصد سهام کنسرسیوم را بدست آورد. شرکت‌های یاد شده یک قرارداد ۷/۴ میلیارد دلاری با دولت آذربایجان به امضا رساندند که مدت آن ۳۰ سال خواهد بود. دولت روسیه با اعمال فشارهای خود موفق شد ۱۰ درصد از سهم ۳۰ درصدی آذربایجان را بخود اختصاص دهد.^{۲۱} *نیمی از نفت استخراجی و تمام گاز حاصله نیز به آذربایجان تخصیص می‌یابد.

روسیه که تلاش زیادی را برای تجدید سلطه خود بر حوزه‌های نفتی در آسیای مرکزی

* روسیه علیرغم رد این قرارداد، ۱۰ روز بعد به آن پیوست.

و قفقاز انجام داده است، از طریق شرکت لوک اوایل فعالیتهای خود را دنبال می کند. شرکت دیگری به نام یوکاس که مرکب از چند شرکت نفتی است، برای هدایت و تنظیم فعالیتهای نفتی و حوزه های مرتبط با آن در خارج از جامعه کشورهای مستقل مشترک المنافع، در اروپای مرکزی تشکیل شده است.^{۲۲} شرکت لوک اوایل نیز همکاری خود را با شرکت سوکار (آذری) برای اکتشاف حوزه های شناسایی شده ادامه می دهد.

به رغم توافقهایی یادشده روسیه همچنان فشارهای خود را بر دولت آذربایجان ادامه می دهد.^{۲۳} الکساندر شوخین، معاون نخست وزیر روسیه، پس از انعقاد قرارداد نفتی میان جمهوری آذربایجان و کنسرسیوم شرکتهای نفتی خواستار مجازات مسئولان آذربایجانی شد. وزارت امور خارجه روسیه نیز طی یادداشتهایی مسئولان آذربایجان و قزاقستان و حتی ترکمنستان را که فعالیتهای جدیدی در دریای خزر نداشته اند، از اقدامات اکتشافی - استخراجی نفت در دریای خزر بر حذر داشته و آنها را مسئول عواقب اقدامات خود دانسته است.

دیدار ولادیمیر شومیکو، رئیس شورای فدراسیون روسیه و رئیس مجمع پارلمانی کشورهای مستقل مشترک المنافع، از ارمنستان نیز باید در همین راستا مورد توجه قرار گیرد. حضور او که مبتکر برگزاری اجلاس بیشکک (مرکز قرهیزستان) در بهار سال ۱۳۷۳ و امضای توافقنامه آتش بس میان ارمنستان و آذربایجان است، در ایروان سبب بروز این نگرانی در آذربایجان شد که بار دیگر با حمله آرامنه آتش بس نقض گردد. شومیکو در این سفر، یک وام ۱۱۰ میلیارد روبلی و پیش نویس چندین توافق نامه همکاری را برای تقویت ارمنستان به همراه داشت. توسعه و تحکیم روابط روسیه با ارمنستان در شرایط رویارویی نظامی این کشور با آذربایجان و همزمان انعقاد پیمان نفتی آذربایجان با کنسرسیوم شرکتهای غربی سبب تقویت این دیدگاه گردید که روسیه در صدد افزایش فشارهای خود بر باکو برای چشم پوشی از ادامه توافق یاد شده است.

شرکتهای نفتی آمریکایی در پی کسب توافقهایی خود با آذربایجان می کوشند بر مصوبه کنگره آمریکا در مورد مشروط شدن کمک ۵۰۰ میلیون دلاری به کشورهای مستقل مشترک المنافع به آتش بس در قره باغ تاثیر گذارند. مقامات آذری نیز بر حذف ماده یادشده از این مصوبه تاکید کرده اند.^{۲۴} آشکار است که شرکتهای نفتی آمریکایی سود سرشار خود را از انعقاد پیمان نفتی با آذربایجان در نظر دارند.^{۲۵} لذا تلاشهای وسیعی را برای تغییر دیدگاه نمایندگان کنگره آمریکا انجام داده اند. از سوی دیگر، آرامنه نیز از بهبود وضعیت اقتصادی

آذربایجان و تاثیر دلارهای نفتی بر روند جنگ در قره باغ سخت نگران هستند.^{۲۶} آنها می‌کوشند این تلاشها را خنثی کنند. طبق توافقیهای به دست آمده سه گروه اصلی که در مذاکرات کنسرسیوم شرکت داشته‌اند، حوزه‌های مجزای نفتی را در دریای خزر مورد بهره‌برداری قرار خواهند داد. آموکو در راس مجموعه‌ای از شرکتها در منطقه چراغ، و پتزاویل و رامکو در منطقه گونشلی فعالیتهای خود را متمرکز خواهند ساخت. قبلاً در دوران الحقی بیگ و حاکمیت جبهه خلق قرار شده بود که نفت این حوزه‌ها به یک کنسرسیوم داده شود. ولی در زمان حاکمیت علی اف و طی مذاکرات اخیر تفکیک صورت گرفته است.

روسیه به رغم دستیابی به ۱۰ درصد از منافع نفتی یادشده، همچنان به تلاشهای خود برای بهره‌ی بیشتر از منافع نفتی دریای خزر ادامه می‌دهد.^{۲۷} اعمال رژیم حقوقی دریاهای بسته بر دریای خزر و محدود شدن حق حاکمیت کشورهای ساحلی بر منابع نفت دریاچه سبب توسعه نفوذ و اقتدار بزرگترین کشور ساحلی این دریاچه می‌شود. بدیهی است شرکت‌های نفتی غربی و دولتهای حامی آنها نیز به تلاشهای خود برای حل اختلافات با روسیه ادامه خواهند داد، تنها مسئله‌ای هم که در این میان چندان حائز اهمیت نخواهد بود، منافع کشورهای کوچکتر منطقه می‌باشد.

همکاری دولت آذربایجان با شرکت‌های نفتی برای بهره‌برداری از منابع عظیم نفتی خود سبب ارسال کمکهای مالی قابل توجهی به این جمهوری شده است. در ۱۹۹۳، شرکت آموکو حدود ۵۳۰ هزار دلار به دولت آذربایجان کمک کرد که دو برابر میزان کمکهای آن در ۱۹۹۲ بود. شرکت نفت انگلستان نیز کمکهایی به مؤسسه علمی-پژوهشی نفت آذربایجان کرده و قرار است هر سال مبلغی را به این مؤسسه کمک کند. دولت انگلستان نیز در سال جاری، با اظهار تاسف از جنگ در قره باغ مبلغ ۱/۵ میلیون دلار برای کمک به آوارگان آذری در اختیار دولت باکو قرار داده است. دولت آمریکا نیز به سهم خود ۳۵ تن کالا برای کمک به جنگزدگان آذری ارسال کرده است. اما در هر حال، شرکت‌های نفتی برای گسترش حضور و فعالیتهای خود در آذربایجان از تاکید بر ابعاد و ملاحظات زیست محیطی غفلت نکرده‌اند.

آثار زیست محیطی اکتشاف نفت در دریای خزر

دریای خزر و سواحل آن به دلیل داشتن گونه‌های متنوع جانوری، بویژه ماهی و پرند، از دهه ۷۰ یک منطقه حفاظت شده شناخته گردید و عملیات حفاری و اکتشافی در آن بر اساس موقعیت انحصاری روسیه ممنوع شد. ولی با تجزیه اتحاد شوروی، برای جمهوری‌های

ساحلی این دریا فرصتی فراهم شد تا به منظور بهره برداری از منابع عظیم کشف شده و احتمالی آن به تلاش گسترده ای (با کمک شرکت‌های نفتی غربی) دست زنند.

هم اکنون، حفاری های نفتی در دریای خزر با مشکلات جدی روبه رو است.^{۲۸} به گفته یکی از مسئولان خدمات محیط زیست شرکت نفتی موبیل: «اگر در حین حفاری مشکل نشد نفت به وجود آید، چون دریای خزر بسته است و به اقیانوس و آبهای آزاد راه ندارد، امواج قادر به از بین بردن آلودگی نخواهند بود. در واقع، هر نوع حفاری در این منطقه باید با دقت بسیار انجام شود؛ زیرا دریای خزر محیطی آسیب پذیر است که باید در حفظ آن کوشید.»

نتیجه

همان گونه که بحث کردیم، حیدر علی اف در دوران جدید حاکمیت خود گرایشهای استقلال طلبانه ای را در برابر احیای سلطه مجدد روسیه بر آذربایجان آشکار ساخته است. او که سیاستمداری مجرب و کار آزموده از دوران حاکمیت کمونیسم بر آذربایجان است، می کوشد از سلاح نفت برای پیشبرد هدفهای خود بهره جوید. در حالی که روسیه به طور متقابل، با استفاده از اهرمهای گوناگون فشار، تاکنون عملاً مانع کسب موفقیت آذربایجان شده است. روسیه با دخالت‌های آشکار در جنگ قره باغ و استفاده از اهرمهای مناسب در زمان مقتضی اعمال فشار بر حاکمیت استقلال طلب باکو را ادامه داده، ولی هنوز به هدفهای خود دست نیافته است.^{۲۹} علی اف با اتکا به حمایت مردم آذربایجان، حتی به نیروهای روسی اجازه نداده است تحت عنوان نیروهای میانجی و پاسدار صلح در خاک آذربایجان استقرار یابند. روسیه نیز به رغم کسب ۱۰ درصد از سهم کنسرسیوم شرکت‌های نفتی در آذربایجان، مخالفت جدی خود را با امضای قراردادهای نفتی از سوی جمهوری های حوزه دریای خزر اعلام داشته است و تلویحاً به آنها هشدار داده که مسئول عواقب امضای این قراردادها خواهند بود. حضور فعال و پرثمر در تحولات نفتی در آذربایجان می تواند به زمینه مناسبی برای تقویت حضور و نفوذ جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی و قفقاز مبدل شود. حوزه فعالیتهای اقتصادی یکی از زمینه های مناسب برای گسترش فعالیت جمهوری اسلامی ایران در ماورای مرزهای شمالی آن محسوب می شود، که باید امکانات و محدودیتهای آن به طور دقیق مورد ارزیابی قرار گیرد. در پایان آبان ۱۳۷۳ طبق توافق وزارت نفت جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان، این کشور ۵ درصد از سهم ۲۰ درصدی خود را به ایران واگذار نمود.^{۳۰} علت اصلی این امر از یک سو مشکلات اقتصادی آذربایجان در تامین هزینه های

مربوط به سهم خود، و از سوی دیگر جلب حمایت جمهوری اسلامی ایران از این قرارداد بود، که از آغاز مورد مخالفت آن قرار گرفته بود. دولت ایران همچنین متعهد گردید در احداث پالایشگاه نفت در جمهوری خودمختار نخجوان و نیز احداث خط لوله گاز به نخجوان به جمهوری آذربایجان کمک کند.^{۳۱}

دولت آمریکا صریحاً مخالفت خود را با مشارکت جمهوری اسلامی ایران در کنسرسیوم نفتی اعلام کرد، ولی جمهوری آذربایجان ناتوان از تامین مالی سهمیه ۲۰ درصدی خود ناچار از به مزایده گذاردن سهام خود گردید. این امر سبب فعال شدن مجدد ترکیه برای کسب ۵ درصد دیگر از سهم آذربایجان شده است، که هنوز به توافق نهایی نرسیده است.^{۳۲} به هر حال، کنسرسیوم شرکتهای نفتی نیز با توجه به مشکلات مالی آذربایجان مهلت آن را برای تامین بودجه کردن سهم خود تا ۲۲ فروردین ۱۳۷۴ به تعویق انداخته است.

تحولات یادشده و تلاش فزاینده غرب برای حل بحران قره باغ به جهت هموار شدن راه انتقال نفت از طریق ارمنستان به ترکیه و سپس اروپا، بیانگر نقش جدی نفت در آذربایجان در فعل و انفعالات سیاسی اخیر در این جمهوری می باشد. این قرارداد سبب شده تا اهرمهای نفوذ روسیه در حل و فصل جنگ در قفقاز سست گردد و دولت ارمنستان نیز برای بهره بردن از ترانزیت نفت آذربایجان و حل مسائل و مشکلات ناشی از کمبود انرژی به سوی راه حل سیاسی و گفتگو با آذربایجان تمایل پیدا کند، و این خود سبب تقویت نفوذ شرکتهای نفتی غرب در این منطقه و انرژی های سیاسی آن خواهد گردید. منطقه ای که همچنان برای روسیه دارای اهمیت حیاتی و استراتژیک است روسیه آن را از بخشهای مهم «خارج نزدیک» خود می داند.^{۳۳}



پاورقی‌ها:

1. Mark A. Oblig, "The karabakh War" *World policy Journal*, Vol. X, No. 4, Winter 1993/94, p. 52.
2. See: EIU Country Report. Third Quarter 1993, pp. 36-37.
۳. گزارش صندوق بین‌المللی پول، مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال دوم، شماره ۳ زمستان ۱۳۷۲، ص ۸۹.
۴. پیشین.
5. Whitaker's Almanack 1994, *The World in A Volume*, London: Withaker and Sons LTD, p. 813.
۶. برای اطلاع بیشتر وجوع کنید به: منابع نفت و گاز دریای خزر، آ. کویلف. واحد آمار و اطلاعات وزارت نفت، ۱۳۷۰.
7. *Petroleum Intelligence Weekly*, Vol. XXXIII, No. 3, 1994, p. 17.
8. Charls H. Fairbanks and elshan Alekberov, "Azerbaijan and the Ominovs rumblings over Russia's Near Abroad," *The Washington Times*, Nov. 1, 1994, p. 2.
9. *Eastern Europe and the Commonwealth of Independent States*, London: Europa Publication Limited, 1994, pp. 144-152.
10. Elizabeth Fuller, "The Karabakh Mediation Process: Gerachov versus the CSCE?," RFE/RL Research Report Vol. 3, No. 23, 10 June 1994, p. 13.
11. Christopher Dickey and Steve Levine "Pipeline Politics," *Newsweek*, June 27, 1994, pp. 30-31.
۱۲. مراد سلیم اف، روسیه خط لوله ای را که از گروژنی گرفته به کنسرسیوم خط لوله خزر اعطا خواهد کرد. کر سانت دیلی، ۱۰ ژانویه ۱۹۹۴ (ترجمه از نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در مسکو).
۱۳. ولادیمیر سایکو، نفت خزر از دست ما رفت، نزاویسیما یا گازتا، ۲۸ سپتامبر ۱۹۹۴ (ترجمه از نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در مسکو).
14. Paul A. Goble, "Coping with the Nagorno-Karabakh Crisis," *The Fletcher Forum*, Vol. 16, No. 2, Summer 1992, p. 26.
۱۵. تصمیم سر مسکو برای خفه کردن باکو. روزنامه ملیت (آنگارا) ۱۵ اکتبر ۱۹۹۴.
16. *Eastern Europe and the Commonwealth of Independent States*. op.cit., p. 67.
۱۷. ر. ک. الهه کولانی، تصویر ناموزون سیاست روسیه در چچن، روزنامه اطلاعات شماره ۲۰۳۹۳ مورخه ۱۰/۲۴/۱۳۷۳، ص ۱۲.
۱۸. ویکتور یاکلارک. نفت رونق تازه ای به آذربایجان می بخشد، واشنگتن تایمز، ۲۷ اوت ۱۹۹۴، به نقل از هفته نامه شماره ۱۶۸ (دفتر حفاظت منافع جمهوری اسلامی ایران در واشنگتن) ص ۳۶.
۱۹. قزاقستان پر اوا. ۵ نوامبر، ۱۹۹۴ و نیز.
۲۰. عارف حسین اف. راسیسا یا گازتا، ۱۳ اوت ۱۹۹۳.
۲۱. کترالت نفتی دریاکو امضا شد. هفته نامه ایشیچا یا گازتا. شماره ۳۸، سال ۱۹۹۴، ص ۱۶ به بعد.
۲۲. عارف حسین اف. راسیسا یا گازتا، ۱۳ اوت ۱۹۹۳.
23. *Petroleum Intelligence Weekly*, op.cit., p. 18.
24. Daniel Southerland and Steven Levine, "Azeries want help from Clinton to End the Conflict," *Washington Post*, 28, 1994, p. 3.
۲۵. حافظ پاشایف (سفیر آذربایجان در آمریکا) آذریها سزاوار رفع ممنوعیت کمک هستند. کریستین ساینس مانیتور، ۲۷ ژانویه ۱۹۹۴ به نقل از هفته نامه شماره ۱۳۷ (دفتر حفاظت منافع جمهوری اسلامی ایران در واشنگتن)، ص ۶۱.
- آلبرت چرینشف، معاون وزیر خارجه روسیه آذربایجان را به سبب امضای قرارداد استخراج نفت از دریای خزر با ترکیه و شرکتهای غربی به طور مستقیم به سرفت متهم نمود.

26. Michael Specter, "Azerbaijan Potentially Rich, Is Impoverished by Warfare," *New York Times*, June 2, 1994, p. 3.

۲۷. لئونید وله خوف مراحل عقب نشینی بزرگ. روزنامه سپودنیا (مسکو) ۱۸ نوامبر ۱۹۹۴، ص ۲.
۲۸. معامله قرن. گئورگی بوخت، گرسانت دیکی (میکو) ۱ اکتبر ۱۹۹۴، ص ۲.
۲۹. اگیس سالیوکاس، جستجو نفت در بحر خزر، با احترام به محیط زیست پرندگان و حیوانات توام خواهد بود. نیویورک تایمز، ۱۲ ژانویه ۱۹۹۴، هفته نامه شماره ۱۳۵، دفتر حفاظت منافع جمهوری اسلامی ایران در واشنگتن، ص ص ۵۸-۶۰.
30. See: Bruce D. Porter and Carol. Saivets. "The Onece and Future Empire: Russia and the "near Abroad," *Washinton Quarterly*, Vol. 17, No. 3, Summer 1994.
۳۱. در آغاز فروردین ۱۳۷۳ بدلیل مخالفت شرکت های آمریکایی مشارکت کننده در کنسرسیوم دولت آذربایجان همکاری با ایران در این زمینه را ملغی اعلام کرد.
۳۲. عاریف اوستیوف. زیگسزاگ آقای حیدرعلی اف، سپودنیا (مسکو) ۱۸ نوامبر ص ۳.
۳۳. دولت ترکیه توانست با حمایت ایالات متحده و شرکتهای نفتی آمریکایی سهم خود را از ۱/۷۵ درصد با اضافه شدن ۵ درصد دیگر به ۶/۷۵ درصد برساند.
34. Bruce Porter & Carol Saivetz. op.cit., pp. 82-3.

